

کتابخانه

با من از بنز بگو (۳) مقدمه‌های پیروزی



امیرحسین جعفری
روزنامه‌نگار

بعد از کلی دوندگی با این مقدمات « نتیجه پایان نخستین مکالمه این شد که خبر نهایی را به زودی به آن فرد برسانم و نتیجه یافتن بنز و قیمت را عصر همان روز با پدرم در میان گذاشتم که با نارضایتی پاسخی منفی به درخواست من داد و پس از اصرار نسبتاً فراوان وعده داد که یکی از دوستانتش می‌تواند چنین ماشینی با سلامت کافی و قیمت مناسب برایم پیدا کند».

مثل روز روشن بود که بسوی فریب یک جوان پرشور در این جملات به مشام می‌رسد اما در میان مکالمه پدرم و فرزند یک نکته دیگر نیز متوجه شدم که گویا با یک مکانیک در این مورد مشورت گرفته شده است که در پاسخ به پدر درباره بنز گفته است به هیچ وجه این ماشین را خریداری نکنید زیرا در درسد دارد! من هیچ‌گاه آن تعمیرکار فضول را پیدا نکردم تا از او بپرسم به چه علت چنین نظری را داده است اما هنوز دنبال او می‌گردم...

آن عصر بحث برانگیز که به شب رسید با دوست پدر درباره ماشین صحبت کردم؛ پیرمرد محترمی بود که تلاشی می‌کرد من را از خرید منصرف کند، چه تلاش مضحکی البته من را نمی‌شناسخت و چندان مقصر نبود، او نمی‌دانست که اکسپلور اینستاگرام تا فکری روزم‌رام یک محور گرفته و آن بنز دانشجویی است. پس از دو روز بی‌خبری با او تماس گرفتم و گفت ماشینی نیافته است و به سراسر همان بنز سبز رنگ بروم. دقیق خاطرم هست؛ یکشنبه صبح ساعت ۱۱ بود که برای بازگشت به معامله نخست، با اکبر، صاحب بنز سبز تماس گرفتم تا درباره قیمت چانه دیگری بزنم اما پاسخ او آن قدر تلخ بود که برای دقایقی روی همان میلی که نشسته بودم به قول معروف وارفتم. او گفت دو ساعت پیش بنز فروش رفت... پس از مواجهه با شکست نخست در رابطه با یافتن بنز، تا حد قابل توجهی دچار به‌هم ریختگی

طاقچه‌ها

رژیم پهلوی در سراسیمه سقوط

بختیار و وعده‌هایی که مردم نشنیده گرفتند



بعد از اعتراضات و تظاهرات زیادی که در سال ۵۷ برگزار شد، نهایتاً انقلاب وارد مرحله‌ای شد که با هیچ ترفندی یسا وعده و تهدیدی قابل جلوگیری نبود. مردم که در صحنه و خیابان حضوری مستمر و جدی داشتند می‌خواستند حالا که شاه از کشور رفته است به هر طریقی شده اوضاع را خودشان تحت کنترل بگیرند و در این بین هم هر چه شاپور بختیار (نخست‌وزیر) وعده آزادی می‌داد، فایده نداشت. ماه بهمن اما دیگر صدای کامل انقلاب به گوش همه رسیده بود و معلوم بود که به زودی تغییر اساسی در کشور شکل خواهد گرفت. مردم کاملاً امیدوار بودند و هر کس به طریقی هر کاری از دست و توانش برمی‌آمد در این مسیر تاریخی انجام می‌داد. برای اینکه تا حدودی متوجه وضعیت آن روزها بشویم اتفاقات روز اول بهمن سال انقلاب را مرور می‌کنیم:

۱ بهمن ۱۳۵۷
 - شاپور بختیار نخست‌وزیر گفت: حتی بعد از بازگشت آیت‌الله خمینی به تهران، مقام نخست‌وزیری را ترک نخواهم کرد. آیت‌الله خمینی در همین روز در گفت‌وگویی تأکید کردند که دولت بختیار خیانت‌کار است و باید سرنگون شود... روزنامه سپردار ارگان حزب کمونیست شوروی نوشت: بحران ایران تنها نتیجه مخالفت مردم با سلطنت نیست، بلکه جنبش ملت ایران علیه امپریالیسم آمریکاست که در صدد ایجاد یک دیکتاتوری نظامی است... کارکنان صنعت نفت جنوب در پیامی به ملت ایران اعلام کردند که

نگارخانه



فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

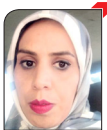
نگاهی به شعر «پرنده مردنی است» سروده فروغ فرخزاد

کلماتی که در جان شاعر حلول کرده‌اند

شعر فروغ صرفاً کلماتی نیستند که شاعر از راه دور با آن‌ها تماس بگیرد. این کلمات در او حلول کرده‌اند و با او یکی شده‌اند و از گوشت و پوست و عضلات او بیرون می‌آیند: «به ایوان می‌روم و انگشتانم را بر پوست کشیده شب می‌کشم...» او شب و خفقان را با رنگ و پوست حس می‌کند. بر پوست کشیده شب می‌کشم... او شب گویا دست بر پوست کشیده حیوانی می‌کشد یا دوست دارد این پوسته را کنار بزند ولی شب از بیرون و درون بر او و اجتماع او ماسیده است و کسی هم به او کمک نمی‌کند و چراغی بر نمی‌افروزد. او دوست دارد کسی او را به آفتاب معرفی کند و او را به میهمانی گنجشک‌های شاه و شنگ صبحگاهی ببرد؛ ولی کسی نیست. با این حال شاعر دوست ندارد در شب سمنت شود یا شعر بدهد، با خود می‌گوید: «پرواز را به خاطر بسپار/ پرنده مردنی است...» او فکر می‌کند که این پرنده (شاعر) در غلظت شب می‌میرد ولی این پرنده نباید پرواز را از یاد ببرد و نباید پایش در قیر شب گیر کند. فقط شاعری

داستانک

بوق آزاد



فرزانه امجدی
داستان‌نویس

بغلش کردم.
 - الان بگیر.
 چند تا شماره با انگشت‌هاش گرفت.
 سینا گفت: سارا بازم زمین خسته می‌شی. گذاشتمش زمین
 - چی شد؟
 - هیچی! بوق آزاد می‌زنه!
 - بذار من زنگ بزنم اداره بابام.
 - باشه.
 این بار سینا کمک کرد من به شماره گیر دستم برسد و شماره بگیرم.
 - چی شد سارا؟
 - مثل اداره بابای تو فقط صدای بوق میاد!
 - چرا همش صدای بوق؟
 - نمی‌دونم.
 - یه بار دیگه هر دو شماره را گرفتم و نشد.
 - سینا این جای پایین مال چیه؟
 - با صدای مامان من و سینا برگشتم.
 - آی ذلیل شده‌ها شما تو باجه تلفن چکار می‌کنید؟
 - ما از ترس نفس‌مون بند اومده بود.
 - سینا با لکت گفت: ب ب با بابا هامون اداره زرزنگ‌گنگ بزنیم. مامان من گفت: بدون اجازه؟
 - من و سینا از خجالت سرمون را پایین

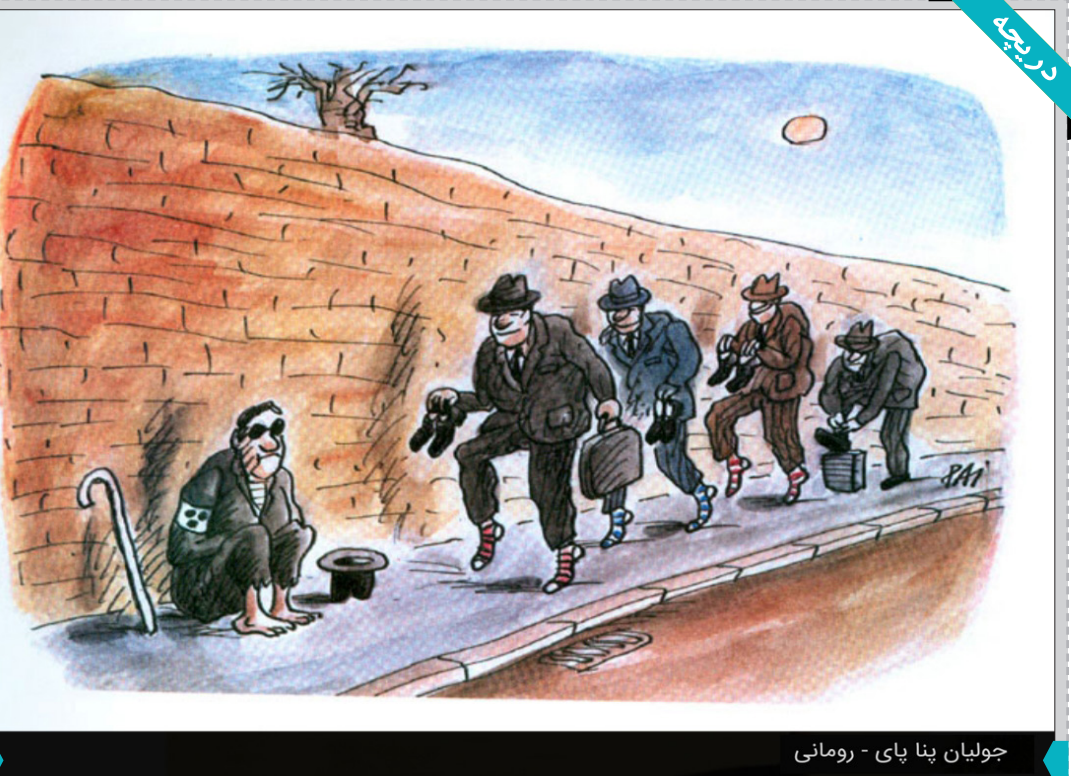
پیشنهاد

عباس اعتماد فینی، مرد کهن باستان‌شناسی ایران



عباس اعتماد فینی در روز نهم تیرماه سال ۱۳۱۵ در فین کاشان به دنیا آمده است. پدرش اولین ایرانی گروه باستان‌شناسی پرفسور رومن گیرشمن بود که این همکاری از سال ۱۳۱۱ در سیلک کاشان شروع شد و تا ۳۴ سال ادامه داشت. او نیز به‌واسطه پدرش به گروه باستان‌شناسی گیرشمن پیوست، اما در شوش و ۱۸ سال با او در مناطق مختلفی همکاری کرد. با جایگزینی پروفیسور ژان پرو به‌جای گیرشمن در شوش، همکاری او نیز مدت ۱۰ سال دیگر در فعالیت‌های باستان‌شناسی شوش با سرپرستی ژان پرو ادامه پیدا کرد. سال ۸۰ از سوی دکتر صادق ملک شهیمزادی برای فعالیت در زمینه طرح بازنگری سیلک کاشان دعوت شد و حدود یکماه قبل در سال ۱۴۰۱ به‌عنوان موزه‌دار موزه سیلک بازنشسته شد و با تأکید بر یکی از گفته‌های استادش می‌گوید: یکی از حرف‌های پروفیسور گیرشمن این بود که می‌گفت تا کسی از گذشته اطلاعی نداشته باشد نمی‌تواند به آینده فکر کند... و من برای دریافت این اطلاعات، ایجاد یک پژوهشکده را از سیلک می‌سازم. اما متأسفانه کسی توجهی نمی‌کنند... من از مسئولان انتظار دارم که این ودیعه‌های ارزشمند تاریخی که از بزرگان ما به ما رسیده را حفظ و حراست کنند، اما متأسفانه هرسال می‌بینیم که تخریب بیشتر گیرشمن می‌گوید: آقای گیرشمن در سال ۱۳۱۱ کارش را در سیلک شروع کرد و همان سال مرحوم پدرم در سیلک با آقای گیرشمن آشنا شد و کارش را با ایشان شروع کرد که تا سال ۱۳۴۵ یعنی ۳۴ سال ادامه داشت. حتی با درخواست آقای رومن گیرشمن، دولت فرانسه به پدرم مدال طلایی کار را اهدا کرد. من سال ۱۳۲۸ یعنی دقیقاً زمانی که ۱۳ سال داشتم به باستان‌شناسان فرانسوی در شوش پیوستم، البته آنجا همراه پدرم بودم.

دریچه



جولیان پنا پای - رومانی

روزنامه‌ها

پادشاهان به رعیت پادشاهند پس چون رعیت بیازند دشمن ملک خویشند. پادشاهان سرنده و رعیت جسد، پس نادان سیری باشد که جسد خود را به دندان پاره کند. صاحب فرمان را تحمل زحمت فرمان‌بران واجب است. تا مصلحتی که دارند فوت نشود، باید که مراد همه بجوید و حاجات هر یکی را به حسب مراد بر آورده گرداند، که حاکم تند ترش‌روی، پیشوایی را نشاید.

مشق کلمات

آنزیم آمیلاز: این آنزیم‌ها در دسته گلیکوزید هیدرولاز قرار دارد که باعث تجزیه زنجیره‌های کربوهیدرات‌ها مثل نشاسته می‌شود.
تشبیه آنزیم: این آنزیم به مواد بی‌اثر و نامحلولی مانند آنزیمات کلسیم متصل می‌شود. این اتصال سبب می‌شود تا در تغییر شرایطی مانند تغییر pH یا دما مقاومت کنند.

مجاز‌شمار

■ **یه شاگرد داشتم بسیار شیطون؛** بهش می‌گفتم اسماعیل وقتی اذیت می‌کنی باید بری گوشه کلاس، می‌گفت خُب برم، می‌گفتم مجبور می‌شم بفرستم پیش مدیر، می‌گفت خُب بفرست، می‌گفتم مدیر کنک می‌زنه، می‌گفت خُب بزنه، انضباطتو کم می‌ده خُب بده و ... یه اسماعیل درون برای همه‌مون خواستار کم تویم تون‌مون نده. (شهرزاد)

■ **من اولین باری که می‌خواستم لیدوکائین بگیرم** رفته داروخونه گفتم آقا من لیدوکائین می‌خوام واسه دندان درد، گفت داداش ما کاری نداریم واسه چی می‌خوای. (حاج امیر هستم)
 ■ **یه سیری با بابام تو جاده می‌اومدیم** سرمو تکیه داده بودم به صندلی. بابا گفت بیداری گفتم بله. گفت بشین پشت فرمون. هنوز چند کیلومتر نرفته بودیم پلیس‌راه جلومونو گرفت گفت چرا سرعت می‌رفتی ایست دادیم توقف نکردی؟ گفتم کی؟ بابا گفت با جناب سروان چونه زن، مدارکتو بده بعدششم می‌گم تند نرو حرف گوش کن. (فرشید)

■ **وضعیت هزینه‌ها این‌جوریه** که ۵۰۰تومن هم براون پول زیادیه هم موقع خرج کردن می‌بینیم هیچ ارزشی نداره. (marzie)

طاقچه‌ها

معمای ۵۰۰ساله داوینچی حل شد

دانشمندان از تکنیک گسسته‌سازی عددی برای حل تناقض ۵۰۰ساله حباب لئوناردو داوینچی استفاده کردند. شاید در مورد تناقض یا پارادوکس ۵۰۰ساله حباب‌های هوای لئوناردو داوینچی شنیده باشید. او که روزی روی سطح آب شناور بود، مشاهده کرد که حباب‌ها به جای بالا آمدن به صورت مستقیم، به صورت مارپیچی و زیگزاگی به سمت سطح آب می‌آیند که وی را به تعجب و تفکر واداشت.

اکتون روشی برای توضیح حرکت نامنظم حباب‌هایی که در آب بالا می‌روند، توسط «پروفیسور میگوئل آنخل هرادا» از دانشگاه سوئیل و «ینس جی. ایگرز» از دانشگاه بریستول پیدا شده است. این پژوهشگران ادعا می‌کنند که مطالعه جدید آن‌ها می‌تواند در درک تحرک ذرات که رفتار آن‌ها بین جامد و گاز به صورت انتقالی است، مفید باشد. ***روش گسسته‌سازی عددی***

همانطور که در بیانیه مطبوعاتی پژوهشگران توضیح داده شده، رابطه هوا و آب در حباب با استفاده از تکنیک گسسته‌سازی عددی مشخص شده است که به آن‌ها اجازه داده حرکت حباب را شبیه‌سازی کنند و پایداری آن را بررسی کنند. گسسته‌سازی در ریاضیات، روند انتقال توابع پیوسته، مدل‌ها، متغیرها و معادلات، جایگزین‌هایی جهان مدیون هنرمندان سیلک است و ما خوشبختانه اطفال این دبستانیم. همه، بچه خاک پاک ایرانیم. درباره آشنایی پدرش و کار خودش با پروفیسور گیرشمن می‌گوید: آقای گیرشمن در سال ۱۳۱۱ کارش را در سیلک شروع کرد و همان سال مرحوم پدرم در سیلک با آقای گیرشمن آشنا شد و کارش را با ایشان شروع کرد که تا سال ۱۳۴۵ یعنی ۳۴ سال ادامه داشت. حتی با درخواست آقای رومن گیرشمن، دولت فرانسه به پدرم مدال طلایی کار را اهدا کرد. من سال ۱۳۲۸ یعنی دقیقاً زمانی که ۱۳ سال داشتم به باستان‌شناسان فرانسوی در شوش پیوستم، البته آنجا همراه پدرم بودم.

PNAS منتشر شده است.